

حادثه‌ها

۸ کشته بر اثر واژگونی اتوبوس در اتوبان قم

● معاون عملیات امداد و نجات جمعیت هلال احمر از واژگونی مرک‌بار اتوبوس مسافربری در اتوبان قم – تهران خبر داد.
شاهین فتحي دراین‌باره گفت: حوالی ساعت ۷:۴۰ دیروز یک دستگاه اتوبوس مسافربری با ۴۴ سافر در حال حرکت در کیلومتر ۴۸ اتوبان قم-تهران بود که واژگون شد. وی با بیان اینکه در این حادثه ۳۶ نفر مجروح و به مراکز درمانی منتقل شدند، گفت: متأسفانه هشت نفر نیز جان خود را از دست دادند.
به گفته وی علت این حادثه از سوی عوامل پلیس راه بررسی و اعلام خواهد شد.
سرهنگ نادر رحمانی، رئیس مرکز فرماندهی و کنترل ترافیک پلیس راهور ناجا، دربارهٔ این حادثه گفت: اتوبوس از نوع «ولوو» و در حال حرکت از کرمان به تهران بود و گرچه سرعت مجاز داشته اما بنا بر تشخیص کارشناسان پلیس راهنمایی و رانندگی به دلیل خستگی و خواب‌الودگی راننده، واژگون شده است.
به گفته وی، راننده در میان جان‌باختگان این حادثه است.

جعل برند روغن موتورهای معتبر

● **شرق:** سه متهم که روغن موتورهای قالابی را با جعل برندهای معتبر می‌فروختند توسط پلیس آگاهی تهران بزرگ شناسایی و بازداشت شدند. مدتی پیش نماینده یکی از شرکت‌های معتبر ایرانی در زمینه تولید روغن موتور، با مراجعه به این پایگاه شکایتی را در زمینه جعل برند روغن موتورهای شرکت خودشان در بشکه‌های ۲۰لیتری و ۲۲۰لیتری مطرح کرد. در ادامه مأموران این پایگاه برای شناسایی افراد جاعل وارد عمل شدند و مشخص شد افرادی در پوشش یک شرکت روغن موتورهای نامرغوب را در بشکه‌هایی که جعل‌شده برندهای معتبر موجود در بازار هستند، پخش می‌کنند. با توجه به سرنخ‌های اولیه از چند فروشگاه، بالاخره آدرسی مربوط به یک کارگاه در امین‌آباد تهران به دست آمد. با مراجعه کارآگاهان پایگاه نهم پلیس آگاهی تهران بزرگ به کارگاه موردنظر، مشخص شد افرادی با به‌کارگیری پسران نوجوان از اتباع خارجی در این کارگاه مشغول به ریختن روغن موتورهای بی‌کیفیت در بشکه‌های جعلی برندهای معتبر موجود در بازار هستند. تحقیقات تکمیلی کارآگاهان در این کارگاه مشخص کرد فردی با همدستی دو نفر دیگر این کارگاه را تشکیل داده‌اند و با پرکردن روغن موتورهای بی‌کیفیت در بشکه‌هایی جعلی به حجم ۲۰ و ۲۲۰ لیتر، روغن موتورهای قالابی را به شکل برندهای معتبری درمی‌آورند و روانه بازار می‌کنند. در این رابطه سه متهم بازداشت و همگی به پایگاه نهم آگاهی تهران بزرگ منتقل شدند که با تشکیل پرونده‌ای در این زمینه در شعبه هفتم دادسرای شهری بازجویی‌های اولیه از این افراد صورت گرفت. یکی از متهمان اصلی این پرونده که لیسانس حقوق دارد در بازجویی‌ها به کارآگاهان گفت: من و همدستانم روغن موتورهای فله‌ای موجود در بازار را که همگی بازاریفتی و دارای کیفیت پایینی بودند، خریداری می‌کردیم. سپس همین روغن‌های بی‌کیفیت را درون بشکه‌های شرکت‌های معتبر تولید روغن موتور ایرانی که آنها را از بازاریفتی‌ها خریداری کرده یا بشکه‌هایی که با استفاده از رنگ و شابلون آنها را به شکل ظرف روغن موتورهای معتبر موجود در بازار درآورده بودیم، می‌ریختم و پلمب می‌کردیم. ما این بشکه‌های روغن موتور را با ترغند فروش با قیمت زیر بازار به مشتریان ثابت خود می‌فروختیم. متهم دیگر پرونده مورد بازجویی قرار گرفت و مشخص شد وی به همراه همدست خود سال گذشته همچنین اقدامات مجرمانه‌ای را انجام داده بود که در آن پرونده به همراه همدستش در کارگاهی که در اسلامشهر تشکیل داده بود، بازداشت شد اما بعد از آزادی اقدام به تشکیل کارگاه جدیدی این بار در امین‌آباد تهران کرد و اقدامات مجرمانه خود را از سر گرفت. متهم سوم نیز که دارای مدرک دیپلم بود، مدعی شد وظیفه‌اش تنها رنگ‌کردن بشکه‌ها بوده است. سرهنگ کرم یوسفوند، رئیس پایگاه نهم پلیس آگاهی تهران بزرگ با تأیید این خبر گفت: متهمان برای انجام تحقیقات تکمیلی در اختیار کارآگاهان قرار گرفته‌اند.

آتش‌سوزی در بازار روز چالوس

● صبح دیروز ۱۰ باب مغازه در بازار روز چالوس طعمه حریق شد. یک باب مغازه در ابتدای ورودی بازار روز شهرستان چالوس، بامداد جمعه دچار آتش‌سوزی شد که بلافاصله آتش‌نشنان با چند دستگاه خودروی اطفای حریق به محل حادثه اعزام شدند. نیروهای انتظامی شهرستان چالوس نیز در کنار آتش‌نشنان در محل حادثه حضور پیدا کرده‌اند و با کنترل خودروهای عبوری از محل حادثه در راستای حفظ نظم و امنیت تلاش می‌کنند. این آتش‌سوزی در یک باب مغازه پارچه‌فروشی رخ داد و با وجود تلاش آتش‌نشنان به سایر مغازه‌ها نیز تا حدی سرایت و به حدود ۱۰ باب مغازه آسیب وارد شد؛ اما در مدت چند ساعت حریق به طور کامل مهار شد. عبدالله منتظری، فرمانده انتظامی چالوس، با اشاره به اینکه علت بروز آتش‌سوزی در حال پیگیری است و منتظر اظهارنظر کارشناسان هستیم، گفت: طبق گزارش‌های اولیه اعلام می‌شود این آتش‌سوزی عمدی نبوده است و پس از بررسی‌های تیم‌های اریزای و کارشناسان، علت و میزان خسارات به طور دقیق اطلاع‌رسانی خواهد شد.

شرق: مردی که گمان می‌کرد همسایه‌اش را در جریان یک درگیری به قتل رسانده است، چهار ماه فراری بود و زندگی پنهانی داشت تا اینکه بالاخره بعد از دستگیری فهמיד همسایه‌اش برخلاف تصور او زنده است.

به گزارش خبرنگار ما، این اتفاق که تلفات جانی به همراه نداشت، شامگاه نهم آبان امسال در شهر اصفهان رخ داد. آن روز مردی با پلیس اصفهان تماس گرفت و از وقوع درگیری مسلحانه‌ای خبر داد و گفت بین دو همسایه‌شان در یکی از محله‌های مرکزی اصفهان درگیری مسلحانه رخ داده و یکی از همسایه‌ها با شلیک گلوله از محل فراری شده است.

با حضور مأموران در محل حادثه مشخص شد این درگیری سه مصدوم داشته که یکی با گلوله سلاح کلت زخمی شده است. یکی از مجروحان در بازجویی‌ها گفت: در خانه بودیم که به دلیل حرف‌زدن با صدای بلند با مرد همسایه درگیر شدیم. با شدت‌گرفتن درگیری یکی از ما که سلاح کمری داشت، برای ترساندن مرد همسایه سلاح را سمت او گرفته و مجبور شود به خانه‌اش برگردد، اما ماجرا آن‌طور که انتظار داشتیم پیش نرفت و او حاضر به رفتن از محل نشد و دعوای ادامه پیدا کرد. مرد همسایه با خلع سلاح دوستم به من شلیک و فرار کرد.

با ادامه تحقیقات برای بازداشت مرد همسایه مشخص شد همسایه ۴۰ساله و همسرش بعد از درگیری محل سکونت خود را ترک کرده و متواری شده‌اند.

درخواست کمک جوان محکوم به قصاص برای بازگشت به زندگی

شرق: جوانی که هفت سال قبل مردی میان‌سال را به قتل رسانده است، با گذشت اولیای‌دم از قصاص به شرط دریافت دیه به زندگی امیدوار شد. در حال حاضر تلاش‌ها برای تهیه مبلغ مورد نیاز برای نجات این جوان از مرگ شروع شده است.

به گزارش خبرنگار ما، این جوان آذر سال ۹۱ در حالی دستگیر شد که دوربین‌های مدارسته بمپ‌بزنین تصویر او را حین استفاده از کارت سوخت مقتول ضبط کرده بود. این در حالی بود که شش ماه بعد تحقیقات برای یافتن او ادامه داشت ولی به دلیل در دست‌نیودن سرنخ مشخصی از او، تحقیقات برای دستگیری متهم ماه‌ها طول کشید. تحقیقات درباره این پرونده شهریور سال ۹۰ آغاز شد. روز حادثه به مأموران پلیس آگاهی خبر دادند مردی در خانه‌ای به قتل رسیده است. با انتقال جسد به پزشکی‌قانونی و آغاز تحقیقات، مشخص شد مقتول با وجود داشتن خانواده، تنها زندگی می‌کرد و محل وقوع قتل نیز خانه خودش نبوده است. هیچ اثری از عامل قتل وجود نداشت و در صحنه جرم سرنخی که بتواند پلیس را به قاتل برساند، به دست نیامد تا اینکه مأموران متوجه شدند خودروی محمود به سرقت رفته است. با ردیابی‌هایی که پلیس از طریق کارت سوخت خودرو انجام داد، مشخص شد این کارت سوخت یک هفته بعد از قتل در بمپ‌بزنینی استفاده شده است و دوربین‌های مدارسته از کسی که از این کارت استفاده کرده، فیلم‌برداری کرده‌اند. وقتی جوان تحت تعقیب شناسایی و بازداشت شد، در بازجویی‌ها خود را مجتبی معرف‌ی کرد و مدعی شد در جریان قتل قرار ندارد و اصلاً چنین شخصی را نمی‌شناسد. او گفت: برای بن‌بزن‌زدن رفته بودم که دیدم شخصی کارتش را جا گذاشته است. آن را برداشتم و چون رمز نم نداشت، توانستم از آن استفاده کنم.

ادعای این جوان از سوی مأموران پذیرفته نشد و تحقیقات از وی ادامه یافت تا اینکه او به قتل اعتراف کرد. متهم گفت: من عاشق تاتار هستم و حتی در

شرق: مردی که گمان می‌کرد همسایه‌اش را در جریان یک درگیری به

قتل رسانده است، چهار ماه فراری بود و زندگی پنهانی داشت تا اینکه بالاخره بعد از دستگیری فهמיד همسایه‌اش برخلاف تصور او زنده است.

به گزارش خبرنگار ما، این اتفاق که تلفات جانی به همراه نداشت، شامگاه نهم آبان امسال در شهر اصفهان رخ داد. آن روز مردی با پلیس اصفهان تماس گرفت و از وقوع درگیری مسلحانه‌ای خبر داد و گفت بین دو همسایه‌شان در یکی از محله‌های مرکزی اصفهان درگیری مسلحانه رخ داده و یکی از همسایه‌ها با شلیک گلوله از محل فراری شده است.

با حضور مأموران در محل حادثه مشخص شد این درگیری سه مصدوم داشته که یکی با گلوله سلاح کلت زخمی شده است. یکی از مجروحان در بازجویی‌ها گفت: در خانه بودیم که به دلیل حرف‌زدن با صدای بلند با مرد همسایه درگیر شدیم. با شدت‌گرفتن درگیری یکی از ما که سلاح کمری داشت، برای ترساندن مرد همسایه سلاح را سمت او گرفته و مجبور شود به خانه‌اش برگردد، اما ماجرا آن‌طور که انتظار داشتیم پیش نرفت و او حاضر به رفتن از محل نشد

و دعوای ادامه پیدا کرد. مرد همسایه با خلع سلاح دوستم به من شلیک و فرار کرد.

با ادامه تحقیقات برای بازداشت مرد همسایه مشخص شد همسایه ۴۰ساله و همسرش بعد از درگیری محل سکونت خود را ترک کرده و متواری شده‌اند.

حوادث

متهم فراری بعد از دستگیری فهמיד قاتل نیست

کفت وکوبا متهم:

❧ از زندگی ات بگو.

کارم خرید و فروش خودرو است. یک بار ازدواج کرده و از هم جدا شده‌ایم و یک دختر ۱۲ساله دارم. دوباره ازدواج کرده‌ام.

❧ ماجرای سفر غیر قانونی‌ات به هلند چه بود؟

چهار سال پیش ۴۱ هزار دلار به قاچاق‌بر دادم تا من را به کشور هلند ببرد. سفرم ۹ ماه طول کشید و حدود صد کیلومتر پیاده راه رفتم و با مهاجران غیرقانونی دیگر از جنگل و کوهستان عبور کردم تا به هلند رسیدم.

❧ در هلند چه می‌کردی؟

در کمپ مهاجران هفته‌ای ۵۸ دلار می‌گرفتم. شب‌ها مخفیانه از کمپ بیرون می‌آمدم و در رستوران کار می‌کردم. ماشین می‌شستم و صبح به کمپ برمی‌گشتم.

❧ با این شیوه قدر به دست آوردی؟

❧ ۴۵۰ دلار

❧ در این مدت همسرت کجا بود؟

یک سال و نیم پیش، هشت ماه بعد از اینکه من به هلند رسیدم، او هم از طریق قاچاق پیش من آمد.

❧ شرایط همسرت در هلند چطور بود؟

زنم در هلند باردار شد ولی به دلیل شرایط روحی بچه‌مان سقط شد و آن موقع بود که به ایران برگشتم. بعد هم با همسایه دعوای کردم و فراری شدم.

درخواست کمک جوان محکوم به قصاص برای بازگشت به زندگی

قضائی و پلیسی به این پرونده گذشته است، این جوان اکنون ۳۲ساله شده و هر روز به جویه دار نزدیک‌تر می‌شد تا اینکه با گذشت اولیای دم از قصاص، او به زندگی امیدوار شد. حالا مجتبی برای تأمین دیه ۲۳۱ میلیون تومانی در زندان است. اما به دلیل اینکه از خانواده‌ای فقیر است، توان تأمین این مبلغ را ندارد. در همه این هفت سال فعالان مدنی برای نجات جان این جوان که از خانواده بسیار آبرومند و فقیری است، تلاش کرده‌اند و به گفته عمادالدین باقی که در این زمینه اقدامانی انجام داده است، در نهایت خانواده مقتول با بزرگواری بسیار و به دلیل درک درست از واقعیت تلخ رخ‌داده، در برابر یک دیه تصادف (۲۳۱ میلیون تومان) و به شرط آنکه روان‌پزشکان سلامت روانی این جوان را تأیید کنند، از جان او خواهند گذشت. مجتبی در همه این سال‌ها با حسن اخلاق خود ثابت کرده که مستحق این گذشت است. روان‌پزشکان سلامت روان او را تأیید کرده‌اند، اما این بار خانواده مجتبی هستند که از پرداخت دیه عاجز هستند. به همین دلیل «گروه مردمی یاران نجات»، به کمک فعالان مشهور مدنی تلاش خود را برای تأمین این مبلغ شروع کرده‌اند. در حال حاضر نیز برای تأمین کل دیه مجتبی فقط تا آخرین روزهای اسفند فرصت باقی مانده و چشم امید این جوان به دست پرمحبت مردم است تا تلاش کنند کل دیه تأمین شود و او از طناب دار رهایی پیدا کند. افرادی که به کمک به این جوان تمایل دارند، می‌توانند کمک‌های نقدی خود را به شماره حساب ۰۲۲_۲۹۱۰_۶۳۶۴_۱۴۷۴_۰۲۲_۲۹۱۰ نام شهزاد همتی پل‌سنگی، افسون علیمردادیان، شاهد حلاج‌نیشابوری که گردانندگان گروه یاران نجات هستند، واریز کنند. گروه «یاران نجات» گروهی مردمی است که پس از بررسی مدارک و شرایط محکومان به قصاصی که اتفاقی قاتل شده‌اند، در راستای بازگشت فرد به زندگی عادی، اقداماتی را با کمک مردم انجام می‌دهد.

دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. در جلسه دادگاه بعد از اینکه نماینده دادستان تهران در جایگاه حاضر شد و درخواست مجازات برای متهم را مطرح کرد، با توجه به اینکه اولیای‌دم پیش از آن برای متهم درخواست قصاص کرده بودند و در جلسه دادگاه حضور نداشتند، متهم در جایگاه قرار گرفت. او اتهام را قبول کرد و گفت: تصمیم گرفته‌ام دروغ نگویم و هرچند زندانیان به من گفتند باید قتل را انکار کنی اما این کار را نمی‌کنم.

او یک بار دیگر آنچه را در دادسرا گفته بود، تکرار کرد و گفت: مقتول من را فریب داد. او جلوی در به

من گفت خانه‌ای که وارد آن می‌شویم، مجردی است همان موقع خیلی ترسیدم اما چون وعده کار داده بود، قبول کردم همراهش بروم. بعد از قتل هم برای اینکه بتوانم فرار کنم ماشین او را برداشتم. وقتی به تاتارشهر رسیدم و ماشین خودم را که در آنجا پارک بود برداشتم، ماشین سرروقه را همان‌جا رها کردم و رفتم.

بعد از پایان جلسه دادگاه، هیئت قضات با ریاست قاضی اصغرزاده برای صدور رأی دادگاه وارد شور شدند و در نهایت حکم به قصاص دادند. در حال حاضر هفت سال از شروع رسیدگی

خیلی شدید بود و مقتول هم جاقو داشت، اما جاقو را سمت متهم نگرفت بود و خطری او را تهدید نمی‌کرد. در ادامه، وکیل متهم در جایگاه قرار گرفت. او گفت: موکل من قتل را قبول دارد، اما گفته‌های شاهدان و گفته‌های موکل همگی نشان می‌دهد که مقتول قصد حمله داشته و متهم در دفاع از خودش مرتکب قتل شده است. این مرد در دفاع زیاده‌روی کرده، اما قطعاً می‌توان این مورد را از موارد دفاع مشروع دانست.

در نهایت یک‌بار دیگر متهم در جایگاه حاضر و مدعی شد برای دفاع از خودش این قتل را انجام داده است. او گفت: من بعد از قتل فرار کردم و به جنوب رفتم. در آنجا به‌خاطر بی‌پولی و بدبختی معتاد و کارتن‌خواب شدم و بعد به خود آمدم و گفتم باید خودم را نجات دهم. به کمک ترک اعتیاد رفتم و حالا سالم هستم. من آدمی نبودم که بخواهم کسی را بکشم و فقط از خودم دفاع کردم.

بعد از گفته‌های متهم، هیئت قضات وارد شور شدند و متهم را به قصاص محکوم کردند. رأی صادره با این استدلال که متهم دفاع مشروع کرده است مورد اعتراض متهم و وکیلش قرار گرفت. این اعتراض در دیوان‌عالی کشور مورد بررسی قرار گرفت، اما پذیرفته نشد و رأی قصاص مورد تأیید قرار گرفت. به‌این‌ترتیب متهم یک کام دیگر به قصاص زندک شد.

۳۰ ساله هستند شناسایی و از آنها طرح شکایت کردند. رئیس کلانتری خزانه تصریح کرد: متهمان که دیگر جاره‌ای جز اعتراف نداشتند، گفتند یک ماه است این کار را شروع کرده‌اند و بیشتر از پنج گوشی سرقت نکرده‌اند.

با وجود این، به دلیل سرپایی بودن اقدامات متهمان، با هماهنگی قضائی هر دو نفر در اختیار کارآگاهان اداره هفتم آگاهی تهران بزرگ قرار گرفتند تا تحقیقات اداره دوشاکی در همان دو ورود خود، متهمان را که ۲۷ و ۲۸ ساله هستند شناسایی و از آنها طرح شکایت کردند. رئیس کلانتری خزانه تصریح کرد: متهمان که دیگر جاره‌ای جز اعتراف نداشتند، گفتند یک ماه است این کار را شروع کرده‌اند و بیشتر از پنج گوشی سرقت نکرده‌اند.

با وجود این، به دلیل سرپایی بودن اقدامات متهمان، با هماهنگی قضائی هر دو نفر در اختیار کارآگاهان اداره هفتم آگاهی تهران بزرگ قرار گرفتند تا تحقیقات اداره دوشاکی در همان دو ورود خود، متهمان را که ۲۷ و ۲۸

اصرار داشت، عنوان کرد در حال صحبت با گوشی

خود، قصد عبور از خیابان را داشت که توسط این دو نفر هدف سرقت قرار گرفت. این مقام انتظامی بیان کرد: با تجسس بدنی از دو سارق، گوشی مال‌باخته که آسیب نیز دیده بود کشف شد و درحالی‌که متهمان قصد دریافت رضایت از شاکی را داشتند، چندین مال‌باخته

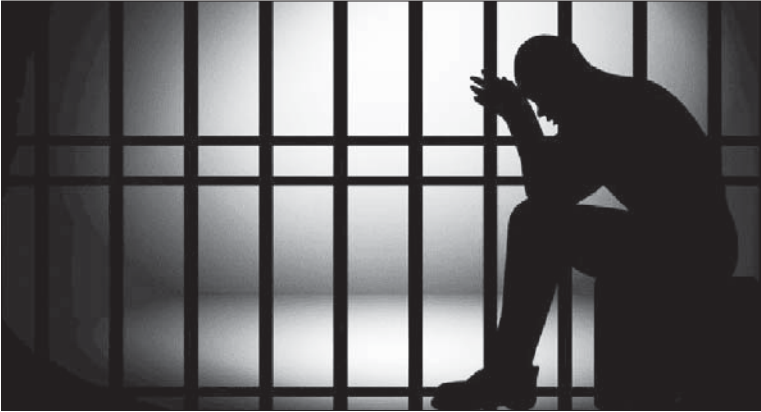
دیگر از‌سوی مأموران به کلانتری فراخوانده شدند که دوشاکی در همان دو ورود خود، متهمان را که ۲۷ و ۲۸

مأموران عملیات کلانتری به محل اعزام شدند که

مشخص شد سارقان در حال فرار تعداد موتورسیکلت خود را از دست داده و با دیوار تصادف کرده‌اند که همین موجب دستگیری‌شان ازسوی اهالی محل شده است.

سرهنگ ایدون افروز: هر دو متهم به همراه شاکی

به کلانتری منتقل شدند و شاکی که از هر دو متهم شکایت خود را مطرح کرده و روی شکایتش به شدت



کلاس‌های آموزش بازیگری هم شرکت کرده اما هیچ‌وقت نتوانسته بودم نقشی بگیرم. همیشه در پارک دانشجوی پرسه می‌زدم و تئاترهای خیابانی را تماشا می‌کردم. روز حادثه، مقتول کنارم ایستاد و سر صحبت را با من باز کرد. وقتی فهמיד بی‌کار هستم، گفت برایم شغلی سراغ دارد. بعد هم خواست سوار ماشینش شوم تا صحبت کنیم. او من را به خانه‌اش برد. آنجا بود که فهמיד مجردی زندگی می‌کند. مشروب آورد و با هم خوردیم. او گفت مرکزی ماساژور می‌خواهد و اگر قبول کنم به آنجا بروم، درآمد خوبی خواهم داشت. بعد روی تخت دراز کشید و از من خواست او را ماساژ بدهم تا ایرادات کارم را بگیرد. من هم قبول کردم. داشتم او را ماساژ می‌دادم که از من درخواست رابطه کرد. قبول نکردم جاقو کشید و گفت اگر قبول نکنی، تو را می‌کشم. جاقو ضامن‌دار بود.

متهم ادامه داد: برای اینکه بتوانم فرار کنم، جاقو را از دستم درآوردم و چند ضربه زدم، بعد هم سونچ ماشینش را برداشتم و فرار کردم. در داشبورد ماشین دو کارت سوخت پیدا کردم که از آن استفاده می‌کردم. به این ترتیب، پرونده بعد از پایان تحقیقات و صدور کیفرخواست علیه متهم، برای رسیدگی به شعبه ۱۱۳

کلاس‌های آموزش بازیگری هم شرکت کرده اما هیچ‌وقت نتوانسته بودم نقشی بگیرم. همیشه در پارک دانشجوی پرسه می‌زدم و تئاترهای خیابانی را تماشا می‌کردم. روز حادثه، مقتول کنارم ایستاد و سر صحبت را با من باز کرد. وقتی فهמיד بی‌کار هستم، گفت برایم شغلی سراغ دارد. بعد هم خواست سوار ماشینش شوم تا صحبت کنیم. او من را به خانه‌اش برد. آنجا بود که فهמיד مجردی زندگی می‌کند. مشروب آورد و با هم خوردیم. او گفت مرکزی ماساژور می‌خواهد و اگر قبول کنم به آنجا بروم، درآمد خوبی خواهم داشت. بعد روی تخت دراز کشید و از من خواست او را ماساژ بدهم تا ایرادات کارم را بگیرد. من هم قبول کردم. داشتم او را ماساژ می‌دادم که از من درخواست رابطه کرد. قبول نکردم جاقو کشید و گفت اگر قبول نکنی، تو را می‌کشم. جاقو ضامن‌دار بود.

متهم ادامه داد: برای اینکه بتوانم فرار کنم، جاقو را از دستم درآوردم و چند ضربه زدم، بعد هم سونچ ماشینش را برداشتم و فرار کردم. در داشبورد ماشین دو کارت سوخت پیدا کردم که از آن استفاده می‌کردم. به این ترتیب، پرونده بعد از پایان تحقیقات و صدور کیفرخواست علیه متهم، برای رسیدگی به شعبه ۱۱۳

کلاس‌های آموزش بازیگری هم شرکت کرده اما هیچ‌وقت نتوانسته بودم نقشی بگیرم. همیشه در پارک دانشجوی پرسه می‌زدم و تئاترهای خیابانی را تماشا می‌کردم. روز حادثه، مقتول کنارم ایستاد و سر صحبت را با من باز کرد. وقتی فهמיד بی‌کار هستم، گفت برایم شغلی سراغ دارد. بعد هم خواست سوار ماشینش شوم تا صحبت کنیم. او من را به خانه‌اش برد. آنجا بود که فهמיד مجردی زندگی می‌کند. مشروب آورد و با هم خوردیم. او گفت مرکزی ماساژور می‌خواهد و اگر قبول کنم به آنجا بروم، درآمد خوبی خواهم داشت. بعد روی تخت دراز کشید و از من خواست او را ماساژ بدهم تا ایرادات کارم را بگیرد. من هم قبول کردم. داشتم او را ماساژ می‌دادم که از من درخواست رابطه کرد. قبول نکردم جاقو کشید و گفت اگر قبول نکنی، تو را می‌کشم. جاقو ضامن‌دار بود.

متهم ادامه داد: برای اینکه بتوانم فرار کنم، جاقو را از دستم درآوردم و چند ضربه زدم، بعد هم سونچ ماشینش را برداشتم و فرار کردم. در داشبورد ماشین دو کارت سوخت پیدا کردم که از آن استفاده می‌کردم. به این ترتیب، پرونده بعد از پایان تحقیقات و صدور کیفرخواست علیه متهم، برای رسیدگی به شعبه ۱۱۳

گزارش این قتل دو سال قبل به مأموران داده شد و اهالی ساختمان نیمه‌کاره‌ای در شمال تهران به پلیس گفتند پسر جوانی در ساختمان جاقو خورده و بر اثر شدت خون‌ریزی جانش را از دست داده است. مأموران در ادامه تحقیقات خود افرادی را که در محل حادثه بودند مورد پرسش قرار دادند و همه آنها به اتفاق، یک نفر به نام امیر را قاتل معرفی کردند. دست‌ان امیر که در محل حاضر بودند به پلیس گفتند امیر با حمله به مقتول که سعید نام دارد، او را با جاقو مجروح کرد و سپس متواری شد. هرچند آنها تلاش کردند سعید را نجات دهند و بلافاصله هم او را به بیمارستان منتقل کردند، اما شدت خون‌ریزی به حدی بود که پزشکان نتوانستند او را نجات دهند.

بعد از این گفته‌ها، تحقیقات برای دستگیری امیر آغاز شد و سرانجام مأموران او را در یک کمپ ترک اعتیاد در جنوب کشور شناسایی و بازداشت

دستگیری ۲ گوشی‌قاپ حرفه‌ای

رخداد

دستگیری جیب‌بر حرفه‌ای

● **شرق:** رئیس پایگاه سوم آگاهی تهران بزرگ از دستگیری یک جیب‌بر حرفه‌ای که با کارت عابر بانک شهروندان به خریدهای میلیونی دست زده بود خبر داد. در بیشتر موارد مال‌باخته‌های این پرونده، رمز عابر بانک خود را کنار کارت نگهداری می‌کردند.

سرهنگ کارآگاه کامیار چهری گفت: مدتی پیش فردی با مراجعه به این پایگاه اعلام کرد از کارت عابر بانکش متوجه شده است یکی از کارت‌های عابر بانک خود را مدتی پیش گم کرده است. با بررسی‌های صورت‌گرفته ازسوی کارآگاهان، این فرد مدعی بود با بررسی کارت‌های عابر بانکش متوجه شده است یکی از کارت‌های عابر بانک خود را مدتی پیش گم کرده است. با بررسی‌های صورت‌گرفته ازسوی کارآگاهان، فردی که پول‌ها از کارت مال‌باخته به حساب او واریز شده بود، شناسایی و مشخص شد او از این ماجرا هیچ خبری نداشته است. وقتی از او بازجویی انجام گرفت، مشخص شد کیف پول این فرد که حاوی کارت‌های عابر بانکش نیز بوده در شلوفی یکی از ایستگاه‌های اتوبوس BRT به سرقت رفته است. این فرد در این زمینه مدارکی نیز تحویل کارآگاهان داد. همچنین مشخص شد که این فرد فراموش کرده بود کارت عابر بانک خود را بسوزاند.

سرهنگ چهری افزود: در ادامه مشخص شد به‌تازگی واریز‌هایی از این کارت به حسابی که از بانکی داخل زندان تهران بزرگ افتتاح شده بود، انجام شده است. به همین دلیل صاحب این حساب از زندان به پلیس آگاهی منتقل شد. متهم با توجه به مدارک موجود در پرونده لب به بازگویی واقعیت گشود و اعتراف کرد که با فرد دیگری از جیب‌بران حرفه‌ای پایتخت به نام مهدی در ارتباط بوده و سرت‌هایی را که این فرد انجام داده، به نوعی پول‌شویی کرده است.

این مقام قضائی ادامه داد: کارآگاهان در ادامه با مشخص‌شدن هویت مهدی، مخفیگاه او را شناسایی کردند و با دستگیری‌کردن این مرد، او را به‌زادشگاه پایگاه سوم آگاهی تهران بزرگ منتقل کردند. متهم با هماهنگی‌های انجام‌شده از سسوه مقام قضائی، تحت بازجویی قرار گرفت و صراحتاً به ۴۰ فقره سرقت از نوع جیب‌بری در ایستگاه‌های اتوبوس‌های BRT، به‌ویژه در ساعات شلوفی شهر اعتراف کرد.

سرهنگ کارآگاه چهری با اشاره به اینکه تاکنون دو نفر به طرح شکایت از متهم پرداخته‌اند، عنوان کرد: یکی از دو مال‌باخته شناسایی شده، رمز کارت عابر بانک را که برای کارهای روزمره شرکتشان استفاده می‌کرد، همراه کارت عابر بانک خود گنه می‌داشت که متهم موفق شده بود با استفاده از همین رمز ۱۷ میلیون تومان به کارت دیگری جابه‌جا کند.

رئیس پایگاه سوم آگاهی تهران بزرگ در پایان با اشاره به نزدیک‌شدن ایام پایانی سال و شلوفی‌های مراکز خرید به شهروندان هشدار داد: در محیط‌های شلوع مانند ایستگاه‌های اتوبوس و BRT مراقبت‌های لازم را به عمل آورید و نسبت به نگهداری و حفظ رمز کارت عابر بانک خود کوشا باشید تا از طرف افراد فرصت‌طلب مورد سوءاستفاده قرار نگیرید.

شناسایی وانهدام

باند جعل و کلاهبرداری

● **شرق:** باند بزرگ جعل که با غضب عناوین انتظامی و جعل بیش از صد مهر سازمان‌های دولتی، اقدام به کلاهبرداری از شهروندان می‌کرد، متلاشی شد. سرهنگ موسوی رئیس مرکز عملیات پلیس امنیت عمومی پایتخت در تشریح این خبر گفت: پس از دریافت اخبار مردمی مبنی بر فعالیت مشکوک فردی مأموران مرکز عملیات پلیس امنیت عمومی پایتخت با رصد اطلاعاتی متهم اصلی و همدستان این باند سازمان‌یافته که در سطح وسیع انواع جرائم مرتبط با جعل و کلاهبرداری را مرتکب شده‌اند، شناسایی کردند. وی توضیح داد: متهم اصلی این پرونده که فردی ۲۱ساله است با جعل عنوان سرهنگ نیروی انتظامی و سوءاستفاده از اعتماد مردم به پلیس، اقدام به جعل انواع مدارک دولتی از جمله کارت شناسایی ناجا، شناسنامه، مدارک تحصیلی، گواهینامه، اجاره‌نامه منزل و... کرده است.

سرهنگ موسوی گفت: این متهم در یک مورد کلاهبرداری، به یکی از شهروندان وعده برنده‌شدن در یک مزایده سازمانی با موضوع هفت هزار دستگاه موتورسیکلت سنگین و چندین خودروی لنگرور را داده و او وی مبلغ ۵۰۰ میلیون تومان پیش‌پرداخت بابت برنده‌شدن در این مزایده، دریافت کرده بود.

رئیس مرکز عملیات پلیس امنیت عمومی پایتخت اضافه کرد: این متهم با حضور در برخی مراسم‌های مختلف و اماکن عمومی از جمله مدارس با لباس نیروی انتظامی با درجه سرهنگی، سخنرانی و توصیه‌های پلیسی ارائه می‌کرد.

سرهنگ موسوی گفت: با توجه به حجم بالای مهرها و اسناد کشف‌شده از این باند، به احتمال زیاد، اعضای این باند از شهروندان زیادی کلاهبردای کرده‌اند.